۲۷
بصیرت امام
هیأت تراز انقلاب اسلامی در بیانات امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای(مدظله العالی)
شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۴۰۲



رسالت مداح، هدایت مردم

بیانات رهبر معظم انقلاب
پیرامون رسالت ستایشگران
در حوادث اجتماعی،
۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۱

آفتاب - هیأت تراز انقلاب اسلامی در بیانات امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب(مدظله العالی)
شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۴۰۲

«رسالت مداح، هدایت مردم»

بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون رسالت ستایشگران در حوادث اجتماعی، ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۱

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد و صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر

قم ـ صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵ | پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲ | رایانامه: info@۱۵۴۲.org



مقدمه

اگـر نگاهی بـه دیدارهای سـالیانه حضرت آقا با تشـکّل‌ها و نهادهـای مختلف بیندازیم، در می‌یابیم که ایشـان بواسـطه مسـئولیت خطیـری کـه در هدایـت و جهت‌دهـی حوزه‌ها و بخش‌های مختلف دارند، وقت ویژه‌ای را برای دیدار با مسئولین مربوطه اختصاص می‌دهند تا اهمّ نکات و سیاست‌های کلی در آن بخش را ابلاغ کنند.

ستایشـگران به جهت مقبولیت و محبوبیتی که در بین اقشـار مختلـف جامعه دارند، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل اجتماعـی به شـمار می‌رونـد و دیدار سـالیانه ستایشـگران اهل‌بیت‌ﷺ با رهبر معظم انقلاب را می‌توان مهم‌ترین پدیده در حوزه هیآت و مجالس دینی دانست که ایشان در ذیل توسل به حضرات معصومین‌ﷺ نکات مهم و کلیدی را به جامعه مداحان و ذاکران اهل‌بیت‌ﷺ متذکّر شده و به تشریح سیاست‌های کلی پرداخته و رسالت و وظیفه اصلی آن‌ها را یادآور می‌شوند.

این شماره از آفتاب، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار سالانه با ستایشـگران اهل‌بیت‌ﷺ است که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۲ ایراد شده اسـت و در آن به جایگاه ستایشگران در جهت‌دهی احساسـات و اندیشـه مـردم در حوادث و قضایـای اجتماعی اشـاره کرده و فرهنگ‌سازی و فضاسازی عمومی با استفاده از اشـعار زیبا و فاخر و با مضامیـن عالی را یکی از وظایف جامعه ستایشگری دانسته‌اند.

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خـوش آمدید. امروز خیلی جلسـه خوبی بود؛ جـدّاً، حقّـاً، بهره‌مند شـدیم. انوار و فیوضـاتِ وجودِ مبارکِ فاطمه زهرا، سـیّدة النسـاء، صدّیقه کبری، فضا را انباشـته؛ خدا را شـکر! محبّت و ارادت و شوق دل‌های پاک شـما به اُمّ الائمّة النّجباء قطعاً تأثیرات بنیانی خواهد داشت در همه اموری که در پیش داریم در زندگی‌مـان؛ در امور شـخصی، در امور عمومی، در آینده این کشور. من در جمع شما مدّاحان اهل‌بیت

کـه حقیقتـاً مفتخرید به اینکـه مدّاح ایـن بزرگواران هستید ـ که «مادحِ خورشید مدّاحِ خود است»[1] ـ مایلم اوّلاً یادآوری کنم افتخار بزرگ شـما را؛ افتخار کنید به این خصوصیّت و سعی کنید همه شما شرایط مدّاحی این انوار مقدّسـه را هر چه بیشـتر تأمین کنید، هم در خودتان، هم در مستمعین‌تان.

---

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بخش ۱؛
مادح خورشیـد مـدّاح خود است / که دو چشمم روشن و نامرمَد است


فاطمه
کوکب دری بین تابناک
فاطمه (سلام الله علیها) اختری تابناک در میان زنان دنیاست

میراث بزرگ شیعه

امروز، من فقط چند جمله در مورد مسئله مدّاحی می‌خواهم عرض بکنم. مدّاحی میراث ما است، میراث شیعه است. بله، معلوم نیست که کُمیت و دعبل و سیّد حمیری مثلاً با آهنگ می‌خواندند [یا نه]، امّا شعر می‌گفتند، شعر می‌خواندند، معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام را منتشر می‌کردند. شما آمده‌اید این را تبدیل کرده‌اید به یک هنر مرکّب. مدّاحی، امروز، یک هنر ترکیبی است. «هنر است» یعنی زیبایی است؛ هنر، زیبایی است دیگر؛ هم زیبایی است، هم زیباسازی است. شما چند هنر را با هم جمع کرده‌اید که مجموع اینها می‌شود مدّاحی. صدای خوش؛ این اوّل. بعد، شعر خوب، از لحاظ شعری؛ این دو. بعد، آهنگ خوب؛ این سه. البتّه هر کدام از اینها یک خصوصیّاتی، شرایطی، حدودی دارد که بعضی از آنها را عرض می‌کنم. بعد، مضمون خوب، محتوای خوب؛ چون شعر خوب یک مسئله است، محتوای خوب یک مسئله دیگر است.

مدّاحی، امروز،
یک هنر ترکیبی است.
«هنر است» یعنی زیبایی است؛
هنر، زیبایی است دیگر؛
هم زیبایی است، هم زیباسازی است.
شما چند هنر را با هم جمع کرده‌اید
که مجموع اینها می‌شود
« مدّاحی »

توجه به محتوای اشعار

ممکن است یک شعری خیلی خوب باشد، امّا محتوای آن‌چنان برجسته‌ای نداشته باشد یا محتوای درستی نداشته باشد؛ یعنی در محتوا اشکال باشد. ما در شعرهای بسیار خوبمان از این‌جور شعرها داریم که شعر خوب است، امّا محتوا بی‌اشکال نیست. من یک شعری را از صائب یادداشت کرده بودم که بخوانم؛ می‌گوید:

نسازد لن‌ترانی چون کلیم از طور مأیوسم
نمک‌پرورده عشقم، زبانِ ناز می‌دانم

وقتی که به حضرت موسی فرمودند: «**لَن تَرانی**»[1] خب دیگر رها کرد؛ این می‌گوید من مأیوس نمی‌شوم. قشنگ بود، ولی غلط بود؛ یعنی خدای متعال، ذات اقدس الهی، ناز کرده گفته «**لَن تَرانی**». نه، «**لَن تَرانی**»، «**لَن تَرانی**» است دیگر؛ در کلام خدا مبالغه وجود ندارد. خب شعر به این قشنگی است، امّا مضمون، مضمون نادرست. پس ما اینجا دو چیز داریم: یک شعر خوب، یک مضمون خوب و محتوای خوب که همه اینها را شما باید در نظر بگیرید.

البتّه به نظرم الان چهل سال است که این جلسه تشکیل می‌شود؛ امروز که من نگاه می‌کنم، نسبت به سال‌های قبل، از لحاظ نوع مدّاحی و شعری که خوانده می‌شود، کاری که انجام می‌گیرد خیلی پیشرفته‌تر و بهتر است؛ در این شکّی نیست، امّا می‌خواهم عرض بکنم که به اینها باید توجّه کنید. خب این شد یک هنر مرکّب؛ کار شما یک هنر مرکّب است، هنر هم که زیبایی است. این را ما از متون دینی‌مان داریم؛ متون دینی ما یعنی *قرآن*، *نهج‌البلاغه*، *صحیفه سجّادیّه* و بسیاری

۱. اعراف، آیه ۱۴۳.

از دعاها. درباره قـرآن فرمود «**ظاهِرُهُ اَنیق**»؛ «**اَنیق**» به معنای زیبا نیسـت، به معنای زیبای شگفت‌آور است. «**ظاهِرُهُ اَنیق**»؛ قرآن این‌جوری است، از لحاظ زیبایی و هنر نظیر ندارد. تقریباً بهترین اشـعار عرب، شیرین‌ترین، زیباترین و فصیح‌ترین شعر عـرب مـال دوره جاهلی و مخضرمین[1] اسـت؛ اینهـا در زمان نزول قرآن بودند، زنده بودند، [امّا] هیچ کدام نتوانسـتند یک ذرّه ایـراد بگیرند یا بگویند ما هم می‌توانیم مثل این را بگوییم. قرآن چند بار گفته «**فَأتوا بِسـورَةٍ مِن مِثلِه**»[2]؛ یک آیه‌اش را هم نتوانستند بیاورند.

نهج‌البلاغـه در نهایـتِ فخامت و اسـتحکام و زیبایی اسـت؛ *صحیفه سـجّادیّه* همین‌طور؛ دعای ابوحمزه ثمالی، دعای روز عرفـه امام حسـین علیه‌السلام و دعاهای گوناگـون، در نهایتِ زیبایی اسـت؛ این هنر شـما دنباله آن هنر اسـت. جامـع بودن این هنر به این اسـت که همه بخش‌هایش زیبا باشد؛ فقط زیبایی ظاهری کافی نیسـت، محتوا هم بایستی زیبا باشد، همچنان

«ظاهِرُهُ اَنیقٌ وَ باطِنُهُ عَمیق»؛
باطن قرآن عمیق و پُراز محتوا است.
... این شیوه کار است؛
یعنی ظاهر، زیبا
و باطن، پُرمحتوا و محکم.

۱. کسانی که اسلام و جاهلیّت را درک کرده بودند امّا با پیامبر ملاقات نکردند
۲. بقره، آیه۲۳.

که فرمود «**ظاهِرُهُ اَنیقٌ وَ باطِنُهُ عَمیق**»[1]؛ باطن قرآن عمیق و پُر از محتوا اســت. حالا ما از خودمان، از شماها، توقّع نداریم که یک چنین جرئتی به خودمان بدهیم، مثلاً فرض کنید بگوییم ما هم می‌توانیم؛ نه، این شــیوه کار اســت؛ یعنی ظاهر، زیبا و باطن، پُرمحتوا و محکم.



جایگاه آهنگ در ستایشگری

آهنگ هم همین‌جور است؛ من مخصوصاً بنا داشــتم، یعنی در یادم نگه داشــتم که این را بــه شــما مدّاح‌های عزیــز بگویم. آهنگ مفهــوم دارد، معنــا منتقــل می‌کند؛ یعنی شــما اگر چنانچه یک آهنگــی را اجرا کنید که لفظ هم نداشــته باشــد ــ مثــلاً بعضی‌ها با حنجره‌شــان آهنگ تولیــد می‌کنند یا بعضی با این وســایل و ســازها آهنگ ایجــاد می‌کنند ــــ زبان ندارد، امّا معنــا دارد، معنایی را منتقل

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸.

می‌کند؛ آهنگ این‌جوری است. یک آهنگ هست که شجاعت را القـا می‌کند؛ این آهنگی که ایشـان[1] می‌خواند «ای لشـکر صاحب‌زمـان آمـاده باش، آمـاده باش»، اگر ایـن کلمه را هم نخوانند، این لحن، لحن آماده‌سـازی است. یک آهنگ هست که افسردگی می‌آورد، افسرده می‌کند انسان را، مأیوس می‌کند انسـان را؛ اینها فرق می‌کند. یک آهنگ هست که انسان را به گناه می‌کشاند؛ خیلی از آهنگ‌ها که قبلاً اینها را در ترانه‌های مربوط به دستگاه‌های موسیقی تنظیم کرده بودند، از این قبیل است. این دستگاه‌های موسیقیِ معروف، هر کدام یک ترانه‌ای قبلـش دارد که این آهنگ، ترانه را القا می‌کند به آن خواننده؛ این ترانه‌ها اغلب، ترانه‌های نامناسـب اسـت. مواظب باشـیم شـعری که می‌خوانیم، آهنگی کـه می‌خوانیم، مدّاحی‌ای که می‌کنیم ـــ چه آنجایی که مصیبت می‌خوانیم، چه آنجایی که سینه می‌زنیم، چه آنجایی که مدح می‌خوانیم ـ با اینها مخلوط نشود؛ این نکته مهمّی است؛ من اصرار دارم به این توجّه کنید.

ذهن مخاطب را
عادت بدهید به اینکه
با ادبیّات فاخر اُنس پیدا کند؛
این به
رشد فکری جامعه
کمک می‌کند.

۱. آقای صادق آهنگران.

انس با ادبیات فاخر

پس بنابراین، محتوا باید خوب باشد، کالبد شعر هم باید خوب باشد. قواره شعر، کالبد شعر، ظاهر شعر باید خوب باشد؛ این، سطح فکر مخاطب را بالا می‌برد. اگر بهترین مضامین را شما در یک شعرِ سست بریزید و ارائه کنید، تأثیرش خیلی کاهش پیدا می‌کند. ذهن مخاطب را عادت بدهید به اینکه با ادبیّات فاخر اُنس پیدا کند؛ این به رشد فکری جامعه کمک می‌کند. من چند سال قبل از این، در همین جلسه اشاره کردم به بعضی از غزل‌های صائب[1] که غزل‌های عشقی نیست، غزل‌های حکمتی است، پُر از حکمت است، شعر هم در نهایت استحکام و زیبایی است؛ [خوب است] اینها را آدم پیدا کند بخواند. الحمدلله حالا بعضی از شعرا شعرهای خیلی خوبی می‌گویند در این زمینه.

۱. از جمله بیانات در دیدار جمعی از مدّاحان اهل‌بیت (۵/۵/۱۳۸۴)

جایگاه احساسات در تعالیم شیعی

در مدّاحی، علاوه بر معرفت‌آموزی، احساس‌برانگیزی هم هست؛ این هم نکته مهمّی است. [مدّاحی] معرفت‌آموزی دارد؛ یعنی شما با شعری که می‌خوانید درس می‌دهید. خیلی از چیزها را ما پای مدیحه‌خوانی مدّاحان یاد می‌گیریم که خودمان آنها را قبلاً به زبان عادّی بارها گفته‌ایم به دیگران، حالا که مدّاح با صدای خوش و با آهنگ خوب همان مضمون را می‌خواند، ما یک چیز تازه‌ای کأنّه می‌شنویم و می‌فهمیم و یاد می‌گیریم. معرفت‌آموزی دارد، البتّه در امتداد منبر؛ مدّاحی منبر نیست؛ یک طبیعت دیگر است، یک حقیقت دیگر است.



هم این است، هم احساس‌برانگیزی است. این مسئله احساس را نباید دستِ‌کم گرفت. خصوصیّت ما شیعیان این است که در تعالیم ما و معرفت‌آموزی ما، از اوّل تا آخر، احساس وجود دارد، انباشته از احساس است؛ دیگران کمتر دارند. ذکر مصیبت‌مان احساس است، مدح‌خوانی‌مان احساس است، دعایمان احساس است، زیارت‌مان احساس است؛ احساسات را برانگیخته می‌کنند. البتّه احساس اگر بدون تعقّل باشد، فایده ندارد. حُسن کار معرفت‌آموزی متون شیعی این است که در کنار برانگیختن احساس، عمق معرفتی را هم به انسان اهدا می‌کند؛ این خصوصیّتی است که در غیر شیعه من ندیده‌ام؛ یعنی تا آنجا که من اطّلاع دارم، ندیده‌ام. البتّه هر کدام از این ادیان مختلف و مذاهب مختلف ــ اسلامی و غیر اسلامی ــ یک چیزهایی دارند، امّا آن اوج متعلّق به شیعه است. من یک وقتی دعاهای رایج بین غیرشیعه را از مسلمین نگاه می‌کردم ــ که در یکی از کتاب‌های زمخشری مفصّل ذکر کرده دعاها را ــ دیدم اگر ما مثلاً فرض کنید ده سطر از دعای عرفه امام حسین علیه‌السلام را یا دعای چهل‌وهفتم ***صحیفه سجّادیّه*** را بغل اینها بگذاریم، ده سطر آنها از همه اینها بیشتر مطلب دارد، بیشتر روح دارد.

نقش‌آفرینی ستایشگران در جریانات کشور

خب، همین حالت احساس در معرکه‌های حسّاس کشور به داد کشور رسید؛ یکی‌اش دفاع مقدّس. در دفاع مقدّس، این مدّاح‌ها بودند، این شعرگوها بودند، این شاعرهای خوب بودند که واقعاً توانستند فضا را آماده کنند برای آن حماسه بزرگ. من این بیت شعر را بارها در مورد همین مسئله تکرار کرده‌ام:

عشّاق را به تیغ زبان گرم می‌کنیم
چون شمع، تازیانه پروانه‌ایم ما [1]

۱. صائب تبریزی. دیوان اشعار، غزلیّات؛ از غزلی با مطلع
عمری است حلقه‌ی درِ میخانه‌ایم ما / در حلقه‌ی تصرّفِ پیمانه‌ایم ما»

وصف حال شما است: «چون شمع، تازیانه پروانه‌ایم». در مراسم اعزام بسیجی‌ها و دیگران به جبهه، در شب‌های عملیّات، در صبحگاه‌های نظامی، در تشییع پیکر شهدا، در مراسم ختم شهدا، در مسجد، در حسینیّه، در میدان جنگ، همه جا مدّاحی نقش بزرگ خودش را ایفا می‌کرد، دل‌ها را آماده می‌کرد، فضا را معنوی می‌کرد. آن نورانیّتی که در منطقه دفاع مقدّس ما حضور داشت ــ که در هیچ جای دنیا و در هیچ وقت تاریخ، جز در صدر اسلام، سابقه ندارد ــ بخش عمده‌ای از آن مربوط به همین مدّاحی‌ها بود، بخشی هم مربوط به بعضی از عوامل دیگر. در سال‌های بعد از جنگ هم تا امروز همین‌جور؛ مدّاحی نقش‌آفرینی کرده؛ در قضایای گوناگون، در فتنه ۸۸، در نهم دی، در موارد گوناگون، مدّاحی نقش ایفا کرده است.

فرهنگ‌سازی، وظیفه ستایشگران

اینکه من تکرار می‌کنم، برای شما تکرار می‌کنم؛ برای اینکه شما به عنوان مدّاح بدانید کجا ایستاده‌اید، بدانید چه کار می‌کنید و چه کار می‌توانید بکنید؛ مقصودم این است. الحمدلله عدّه هم زیاد است. اوایل که ما این جلسه را تشکیل می‌دادیم، با صد نفر یا دویست نفر این جلسه تشکیل می‌شد؛ امروز هزاران نفر در سراسر کشور، با تسلّط بر شگردهای گوناگونِ جذبِ مخاطب، مشغول کار مدّاحی‌اند. خب این یک پدیده‌ای است در کشور، این چیز کوچکی نیست؛ از این باید استفاده کرد. چه کسی استفاده کند؟ مقصود استفاده مسئولین دولتی و زید و عمرو و بنده حقیر و دیگری نیست؛ مقصود استفاده کشور، استفاده نظام، استفاده انقلاب است. انقلاب باید استفاده کند؛ انقلاب محتاج پیشرفت است، محتاج تحوّل روزبه‌روز است. شما می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید؛ حرف من این است. شما باید مبارزه با طاغوت را، مبارزه با ظالم را، مبارزه با استکبار را، مبارزه با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم، استدلال می‌کنیم، منطق می‌آوریم، اثر نمی‌کند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما می‌توانید بکنید. یک جا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یک جا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یک جا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقّل و تدبّر باشد؛ فضاسازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه می‌توانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند اینها خیلی بیشتر است.

می‌توانید فضا به وجود بیاورید، می‌توانید بصیرت‌دهی کنید، می‌توانید امیددهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشـمن تزریق ناامیدی اسـت. کجا؟ در مهم‌ترین نقطه وجودی کشـور، یعنی جوانان که آنها را با انواع شـیوه‌ها و طرق و شـگردها مأیوس کنند. شما می‌توانید درست ضدّش عمـل کنید، امیددهی کنید؛ شـما می‌توانیـد در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خب شرط دارد.

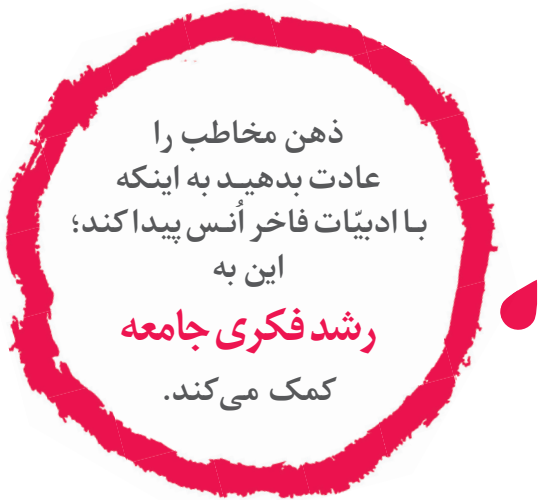

شروط توفیق ستایشگر

۱. دغدغه هدایت مردم

اگر بخواهید این توفیقات نصیب شما بشود، شرط لازم و اوّلش این است که دغدغه هدایتِ مردم را داشته باشید. دغدغه مدّاح این باشـد که مخاطب خودش را می‌خواهد هدایت کند، [نه] پول و شهرت و جایگاه اجتماعی و مانند اینها؛ حالا نمی‌گویم بکلّی ـ ماها آن‌جوری نیستیم، آدم‌های ضعیفی هستیم، بکلّی نمی‌توانیـم خودمـان را برکنار کنیم ـ امّا [آنها] تحت‌الشّـعاع باشـد؛ دغدغه اصلی، هدایتِ مردم باشـد. شما وقتی که شعر را حفـظ می‌کنید یا روی کاغذ می‌نویسـید که بخوانید، وقتی

دعـوت مجلـس را قبول می‌کنیـد، وقتی می‌رویـد روی منبر می‌نشـینید، همه فکرتان این باشد که می‌خواهید مخاطب را هدایت کنید؛ این شرطِ اوّل است.

۲. معرفت‌اندوزی

شرط دوّم معرفت‌اندوزی است.

ذات نـایـافـتـه از هستی‌بخـش
کِی تـوانـد کـه شـود هستی‌بـخـش[۱]

اگر خود انسـان مبانی معرفتی مسـتحکمی در درون نداشته باشـد، بعید اسـت که بتوانـد در دیگران معرفـت ایجاد کند. خودمان را [تقویت کنیم]. شماها جوانید، شماها باحوصله‌اید، شـماها وقت دارید؛ مطالعه کنید، کتـاب بخوانید؛ هم کتاب شـعر، هـم کتاب نثر؛ کتاب‌های شـهید مطهّـری را بخوانید، کتاب‌هـای اخـلاق را بخوانید، کتاب‌های حدیـث را بخوانید، تفسـیر بخوانید. ما تفسـیرهای خوبی داریم؛ اگر به عربی هم مسـلّط نیسـتید، تفسـیرهای فارسـیِ خیلی خوبی امروز در دسترس همه هست.

۳. آگاهی از اوضاع روز

یک شـرط دیگر این اسـت که به‌روز باشـید. شـرایط جهانی روزبه‌روز دارد تغییر پیدا می‌کند. به‌روز باشید، [تحلیل] حوادث را در حیطـه ذهـن خودتان و در حیطه فکـر خودتان حاضر و موجود داشته باشید. عزیزان من! ما امروز یا مواجه با یک پیچِ تاریخیِ مهم هستیم یا در دلِ یک پیچِ تاریخیِ مهم داریم حرکت می‌کنیم؛ این دوّمی شـاید درسـت‌تر باشـد. دنیـا دارد تغییر می‌کند، [آن هم] تغییرات اساسی؛ تغییرات اساسی و بزرگ را نمی‌شود در ظرف یک هفته و یک ماه و یک سال فهمید؛ اینها بتدریج انجام می‌گیرد. باید مسـلّط باشـید ببینید در دنیا چه دارد اتّفاق می‌افتد، در کشور چه اتّفاقی دارد می‌افتد.

۱. جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش



نقشه جامع و محاسبه غلط دشمن

الان [مثلاً] همین قضایای اخیر؛ من یک جمله درباره این قضایای اخیر بگویم. در این قضایای اخیر، نقشه دشمن نقشه جامعی بود، [امّا] محاسبه دشمن محاسبه غلطی بود؛ این مهم است. نقشه دشمن نقص نداشت، منتها محاسبه دشمن برای پیاده کردن این نقشه محاسبه غلطی بود. اینکه می‌گوییم «نقشه دشمن، نقشه جامعی بود»، یعنی همه عوامل مسلّطی را که یک قدرت می‌تواند برای اخلال و تخریب در یک کشوری به کار ببرد به کار انداخت، همه این عوامل را ردیف کرد. عامل اقتصادی وجود داشت که البتّه وضعیّت اقتصادی کشور هم خوب نبود، خوب نیست و مشکل معیشت مردم زمینه‌ای بود که آنها بتوانند از این عامل استفاده کنند. عامل امنیّتی، نفوذ، تیم‌های جاسوسی از همه طرف. غوغای ایران‌هراسی در دنیا؛ از چند ماه قبل، تبلیغات ایران‌هراسی به شکل‌های مختلف به وسیله دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، آمریکا و صهیونیسم و کلّاً استکبار جهانی شروع شد؛ این هم یک عامل تخریب است. همراه کردن بعضی عناصر داخلی با خودشان؛ این هم از مدّتی پیش شروع شد که این هم یک عامل مهمّی است. یک کسی را در کشور با انگیزه‌های مختلف، انگیزه قومی، انگیزه مذهبی، انگیزه سیاسی، انگیزه‌های شخصی [که مثلاً] چرا به سلام من درست جواب ندادید، چرا من را فلان جا نگذاشتید [فریب بدهند]، از اینها استفاده کنند، اینها را آماده کنند برای همراهی. عامل تبلیغات فراگیر؛ تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها، فضای مجازی، اینترنت. اینها عواملی است که دشمن همه اینها را

ردیـف کـرد. بنده به عنـوان یک آدمی که این مسـائل را نگاه می‌کنـم و زیر نظر دارم و می‌فهمم، در دلم به مهندسـی خوب دشمن آفرین گفتم! خوب مهندسی کرده بود؛ همه چیز را در جای خود، به اندازه خود، آماده کرده بود. چرا موفّق نشد؟ چون یک پایه دیگر، یعنی محاسبه‌اش، غلط بود. بله، این کارها همه کارهای مهمّی است، کارهای مؤثّری است، در یک کشورهایی هم اثر می‌گذارد، [امّا] اینجا نتوانسـت؛ چون محاسـبه‌ای که روی ایران اسلامی کرده بود محاسبه درستی نبود.

چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش می‌کند

خیال‌های باطل دشمن

من دو سه مورد از غلط بودن محاسبه دشمن را می‌گویم، قبلاً هم در صحبت‌ها اجمالاً به بعضی از آنها اشاره کرده‌ام.[1]

خیـال می‌کرد ملّـت ایران به خاطر مشـکلات اقتصادی ـ که وجود دارد ـ با نقشـه براندازی و تجزیه‌طلبی دشمن همراهی خواهد کرد؛ این یک محاسبه است که غلط بود.

خیـال می‌کـرد با فحـش و بددهنـی و اهانت‌هـای گوناگون می‌تواند مسـئولین کشور را از میدان خارج کند، منفعل کند. وقتـی یک خرده بدگویی شـد، هتّاکی شـد، بعضی‌ها منفعل می‌شوند دیگر. محاسبه غلطی بود.

۱. از جمله بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور (۱۴۰۱/۹/۵)

و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است تا حالا شکست خورده، در این قضیّه هم شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد.

خیال کردند با وسوسه‌ها و هیاهوها می‌توانند مسئولان سطح بالای کشور را دچار اختلاف نظر کنند؛ یکی بگوید این کار را بکنیم، یکی بگوید نکنیم، بینشان اختلاف بیفتد؛ این مشکلی که الان در خود آمریکا هست، در رژیم صهیونیستی هست، در بعضی از کشورهای دیگر هست که این اختلافات نمی‌گذارد کارهای بزرگ را انجام بدهند؛ خیال می‌کردند می‌توانند این اختلاف را ایجاد کنند. محاسبه کرده بودند، [امّا] محاسبه غلطی بود.

خیال می‌کردند می‌توانند با دلارهای نفتی فلان کشور مزدور آمریکا اراده جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار بدهند. اشتباه کردند؛ اراده قوی جمهوری اسلامی از همه این عواملِ قدرتِ آنها قوی‌تر بود، عزمشان راسخ‌تر بود؛ محاسبه آنها محاسبه غلطی بود.

خیال می‌کردند با اینکه چند عنصر خودفروخته را تشویق کنند که بروند پناهنده بشوند به این کشور یا به آن کشور و علیه کشور خودشان لجن‌پراکنی کنند، این موجب می‌شود جوان‌های ما ناامید بشوند؛ اشتباه کردند؛ رفتند پناهنده شدند، لجن‌پراکنی هم کردند، کسی به آنها اعتنائی نکرد.

این محاسباتِ دشمن بود، محاسباتِ غلطی بود. چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش می‌کند و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است تا حالا شکست خورده، در این قضیّه هم شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد. خب، این درباره دشمن؛

ایجاد امید و وحدت

امّا ما هم خودمان حواسمان باشد! ما هم مغرور نشویم، ما هم غفلت نکنیم، غافل نشویم بگوییم خب قضایا تمام شد، از میدان عقب نرویم، در میدان باشیم. ما هم بدانیم آن چیزی که ملّت را نگه می‌دارد امید است و وحدت؛ اتّحاد میان آحاد مردم. بله، سلایق مختلفی وجود دارد، اختلافات نظر در مسائل گوناگون وجود دارد، امّا درباره اسلام، درباره نظام، درباره انقلاب، وحدت نظر بین مردم هست؛ نگذاریم این وحدت نظر از بین برود. به اختلافات کمک نکنیم؛ اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، تحریک احساسات یک گروهی علیه یک گروه دیگر. هر کس در زمینه خدشه به اتّحاد ملّت حرکتی انجام بدهد برای دشمن کار کرده، در نقشه دشمن کار کرده، در زمین دشمن بازی کرده؛ این را همه توجّه داشته باشند! منبری باشد، مدّاح باشد، روحانی باشد، دانشگاهی باشد، نویسنده باشد، شاعر باشد؛ هر کسی باشد. دشمن را دستِ‌کم نگیریم؛ دشمن هست. آن روزی که شما آن قدر قوی بشوید که دشمن مأیوس بشود، آن روز می‌توانید یک آسودگی و آسایش خاطری پیدا کنید. باید سعی کنیم قوی بشویم؛ این تأکید و تکرار و اصرار این حقیر برای اینکه کشور باید قوی بشود به خاطر این است. باید دشمن را مأیوس کرد. بحمدالله ملّت با معنویّت، با کمک الهی، با هدایت الهی، در خدمت انقلاب‌اند، پشت سر انقلاب‌اند، پشت سر نظام‌اند، کمک می‌کنند. عوامل خوبی داریم، نهادهای مؤثّر و بسیار مفیدی داریم، روزبه‌روز رشحات انقلاب در خارج از مرزهای کشور بیشتر بُروز می‌کند.

آمیختن سرود با مداحی

یک نکته‌ای که می‌خواستم بگویم و حالا یادم آمد، مسئله آمیختن مدّاحی با سرود است که اخیراً این کار باب شده و کار خیلی خوبی است. سرودهای خوبی گفته می‌شود. همین سرود «[سلام] فرمانده» سرود خوبی بود. دیدید جاهای دیگر این سرود را ترجمه کردند، بازخوانی کردند؛ در بعضی از کشورها ـ که البتّه خبرهایش منعکس نشد، امّا ما اطّلاع پیدا کردیم ـ همان [چیزی را] که بچّه‌ها اینجا خوانده بودند، با همان زبان فارسی در کشورشان تکرار می‌کردند، در حالی که زبان فارسی را هم بلد نبودند امّا همان را تکرار می‌کردند. اینها عواملی است که می‌تواند به اقتدار این کشور کمک کند.

البتّه شما وقتی وارد این میدان شدید ـ که همه هم بحمدالله وارد این میدان هستید ـ یک عدّه‌ای به شما ارادت پیدا می‌کنند، امّا یک عدّه‌ای هم با شما دشمن می‌شوند. استکبار با شما دشمن می‌شود، عوامل استکبار با شما دشمن می‌شوند، علیه شما کارشکنی می‌کنند، علیه شما اقدام می‌کنند؛ خب بکنند؛ این دشمنی یک چیزی است که وجود دارد. آن چیزی که جوهر شما را نشان می‌دهد و می‌تواند تکلیف نهایی را فراهم کند ایستادگی شما است، استقامت شما است، توکّل شما است. گفت:

گرم است به هم پشت رقیبان پی قتلم
ای عشق دل‌افروز دل من به تو گرم است[1]

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، برکات خودت را به برکت نام مبارک زهرای مرضیّه علیها السلام بر این جمع و بر این ملّت نازل بفرما.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱. فصیحی هروی. دیوان اشعار، غزلیّات؛ از غزلی با مطلع
ای گل نه همین معرکه‌ی من به تو گرم است
هنگامه‌ی صد سوخته‌خرمن به تو گرم است

مرور سریع بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از ستایشگران، ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

نکاتی پیرامون ستایشگری

مدّاحی، امروز، یک هنر ترکیبی است. صدای خوش، شعر خوب، آهنگ خوب، مضمون و محتوای خوب.

مدّاحی میراث ما است، میراث شیعه است.

در مدّاحی، علاوه بر معرفت‌آموزی، احساس برانگیزی هم هست.

در قضایای گوناگون، در فتنه ۸۸، در نهم دی، در موارد گوناگون، مدّاحی نقش ایفا کرده است.

یک نکته‌ای که می‌خواستم بگویم، مسئله آمیختن مدّاحی با سرود است که اخیراً این کار باب شده و کار خیلی خوبی است

نکاتی پیرامون اغتشاشات و حوادث اخیر

چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش می‌کند و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است تا حالا شکست خورده است.

در این قضایای اخیر، نقشه دشمن نقشه جامعی بود، [امّا] محاسبه دشمن محاسبه غلطی بود.

غافل نشویم بگوییم خب قضایا تمام شد، از میدان عقب نرویم، در میدان باشیم.

هر کس در زمینه خدشه به اتّحاد ملّت حرکتی انجام بدهد برای دشمن کار کرده است.

این تأکید و تکرار و اصرار این حقیر برای اینکه کشور باید قوی بشود به خاطر این است. باید دشمن را مأیوس کرد.

توصیه‌هایی به ستایشگران

افتخار کنید به این خصوصیّت و سعی کنید همه شما شرایط مدّاحی این انوار مقدّسه را هر چه بیشتر تأمین کنید، هم در خودتان، هم در مستمعین‌تان.

این ترانه‌ها اغلب، ترانه‌های نامناسب است. مواظب باشیم شعری که می‌خوانیم، مدّاحی‌ای که می‌کنیم، با اینها مخلوط نشود. این نکته مهمّی است. من اصرار دارم به این توجّه کنید.

ذهن مخاطب را عادت بدهید به اینکه با ادبیّات فاخر اُنس پیدا کند؛ این به رشد فکری جامعه کمک می‌کند

شما باید مبارزه با طاغوت را، مبارزه با ظالم را، مبارزه با استکبار را، مبارزه با فساد را در فضای کشور منتشر کنید.

فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما می‌توانید بکنید. می‌توانید فضا به وجود بیاورید، می‌توانید بصیرت‌دهی کنید، می‌توانید امیددهی کنید. شما می‌توانید در فکر و عمل هدایت کنید.

دغدغه مدّاح این باشد که مخاطب خودش را می‌خواهد هدایت کند.

به‌روز باشید، [تحلیل] حوادث را در حیطه ذهن خودتان و در حیطه فکر خودتان حاضر و موجود داشته باشید.

اگر خود انسان مبانی معرفتی مستحکمی در درون نداشته باشد، بعید است که بتواند در دیگران معرفت ایجاد کند. خودمان را [تقویت کنیم].

واژگان کلیدی: میراث بزرگ تشیع؛ محتوا و مضمون اشعار؛ هنر ترکیبی؛ موسیقی و زیبایی اشعار؛ انس با ادبیات فاخر؛ احساس‌برانگیزی؛ ایجاد وحدت و امیدآفرینی؛ فرهنگ‌سازی؛ دغدغه هدایت مردم؛ آمیختن سرود با مداحی؛ نقش‌آفرینی‌درحوادث‌اجتماعی؛ معرفت‌آموزی و معرفت‌افزایی؛ نقشه جامع و محاسبه غلط دشمن؛ خیال‌های باطل دشمن.

هیأت تراز انقلاب اسلامی،
همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود.
همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باشد.
هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...
ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

* * *

در «آفتاب»، در جستجوی ابعاد و شاخصه‌های «هیأت تراز انقلاب اسلامی» پای بیانات امام راحل رحمه‌الله و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) می نشینیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵ - ۳۸ ۷۵ ۱۴ ۱۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...